

بحث خصوصی سازی تورسیم با مشکل روبرو است

گروه گردشگری - مهشید گهر شناسان، بدون شک کشور ما ایران بدلیل برخورداری از شرایط متنوع آب و هوایی، آثاری بناهای تاریخی و مناظر زیبا، تاریخ و تمدن کهن و سایر امتیازات فرهنگی و تاریخی و همچنین موقعیت خاص جغرافیایی در منطقه می تواند جهانگردان مشتاق را از سراسر جهان به سوی خود جذب نماید و با کسب درآمد ارزی کشور را از اتکا به درآمد تک محصولی نفت رهایی دهد ولی متأسفانه تاکنون نتوانستیم موفقیت چندانی در توسعه صنعت توریسم کشورمان بدست آوریم. و این سوال پیش می آید که چه موانعی بر سر راه توسعه صنعت توریسم و مشارکت بخش خصوصی در صنعت توریسم وجود دارد؟ با مطالعه صنعت توریسم در کشورهای مختلف مشاهده می گردد که بخش دولتی و خصوصی هر دو در کنار هم دیگر در صنعت توریسم فعالیت می کند و مشارکت بخش خصوصی در صنعت توریسم بسیار چشم گیر است ولی در کشور ما بخش خصوصی مشارکت چندانی در صنعت توریسم ندارد سوال اینست که مشکلات و موانع مشارکت بخش خصوصی در صنعت توریسم ایران کدامند؟ آیا می بایست ریشه مشکلات را وجود متولیان متفاوت در امر صنعت توریسم جستجو کرد و یا در عدم حمایت مالی دولت از بخش خصوصی در زمینه مشارکت در صنعت توریسم؟ آیا بخش خصوصی انگیزه کافی جهت مشارکت در صنعت توریسم را ندارد؟ آیا عدم همکاری ارگانهای مرتبط با صنعت توریسم با بخش خصوصی از موانع مشارکت این بخش در صنعت توریسم می باشد یا خیر؟

در شرایط نوین اقتصاد جهانی، سرمایه گذاری خارجی نقش بسیار مهمی بازی می کند. دیگر دوران روبرویی با سرمایه گذاری خارجی و نفی آن بسر آمده و بیشتر بحثهای مربوط دور این مساله می چرخد که چه نوع سرمایه گذاری برای کشور مفید است و از چه راههایی می توان سرمایه های خارجی را به کشور جذب کرد. در شرایط فعلی، کشورهای که بیشترین میزان سرمایه گذاری خارجی را انجام می دهند آمریکا، آلمان، انگلستان و فرانسه هستند که آمریکا با سرمایه گذاری ۱۳۳ میلیارد دلار بیشترین میزان سرمایه گذاری را در کشورهای خارج داشته است، در مقابل کشورهای چین، برزیل، مکزیک، سنگاپور، ناپلند، کره و مالزی و آمریکا بیشترین میزان سرمایه خارجی را جذب کرده اند. بین این کشورها آمریکا و چین به ترتیب بالاترین میزان سرمایه خارجی را جذب کرده اند. در کارهای تحقیقاتی مهمی که انجام شده است، نتایج جالبی استخراج می شود یعنی عواملی که روی سرمایه گذاری داخلی اثر می گذارد سرمایه های خارجی را هم تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین، این استدلال که معمولاً توسط نازشناسان و مسئولان کشور انجام می شود که رای جریان عدم سرمایه گذاری داخلی باید روی سرمایه گذاری خارجی بیابیم بحث غلطی است. چون اگر به دلیل شرایط با ریسک بالا سرمایه گذاران داخلی سرمایه گذاری نکنند طبیعی است که سرمایه گذاران خارجی نیز به راحتی سرمایه گذاری نخواهند کرد..

در مطالعه دیگر اندازه بازار به عنوان یکی از عوامل مهم جذب سرمایه شناخته شده است. به این معنی که کشورهای بزرگ، قدرت جذب سرمایه گذاری بیشتری تا کشورهای کوچک دارند. از طرف دیگر در همین مطالعه هرچه اقتصاد

کشورها بازر تر بوده است، سرمایه بیشتری را جذب نموده است، یعنی همبستگی بالایی بین درجه باز بودن و جذب سرمایه گذاری خارجی مشاهده شده است. در مجموع در این مطالعه ۵ عامل محوری به عنوان عوامل اثرگذار بر سرمایه گذاری خارجی دیده شده است

فصلاً در مطالعه دیگری، ارتباط مستقیمی بین سرمایه گذاری خارجی و صادرات در کشورهای مختلف به دست آورده اند. به نظر می رسد که گروه وسیعی از کشورهای جهان از سرمایه گذاری خارجی به عنوان عاملی جهت توسعه و جهش صادرات استفاده می کنند..

این مطالعه را که گوشه هایی از آمارها و تحقیقات مرتبط با بحث سرمایه گذاری خارجی است صرفاً برای شروع بحث مطرح شد. امروز بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکافوی منابع داخلی، برای سرمایه گذاری، تمایل زیادی به جذب سرمایه گذاری خارجی پیدا کرده اند. علاوه بر این سرمایه گذاران خارجی بویژه شرکتهای فراملیتی برای ارتقای سطح رقابت پذیری و کسب سود بیشتر، علاقه مند به سرمایه گذاری در مناطق مستعد و مزیت دار شده اند..

در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی تعاریف زیادی ارائه شده است. در کشور ما، سرمایه گذاری مستقیم خارجی عموماً این گونه تعریف می شود که لازم است سرمایه گذار خارجی حضور فیزیکی در ایران داشته باشد و با قبول مسئولیت مالی و پذیرش ریسک در سودوزیان، احتمالاً کنترل و اداره واحد تولیدی را مستقیماً در دست گیرد. به این ترتیب سرمایه گذار به طور مستقیم در اجرای فعالیتهای تولیدی نقش موثر دارد. به طور کلی آن بخش از سرمایه گذاری خارجی که نقش عمده ای در روند جهانی شدن اقتصاد بویژه طی دو دهه گذشته داشته مربوط به سرمایه گذاری مستقیم خارجی یعنی سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. امروز بیشتر کشورهای در حال توسعه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را کانال مهمی برای به دست آوردن منابع مورد نیاز توسعه می دانند. هر چند تاثیر اقتصادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی را نمی توان به طور دقیق اندازه گیری کرد..

با توجه به عملکرد خوب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در برخی کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی، بسیاری از این کشورها به استفاده هر چه بیشتر از سرمایه گذاری خارجی تمایل پیدا کرده اند. اما نکته این است که هرچه کشوری از امکانات گسترده تری برای کاهش هزینه های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به آن کشور بیشتر خواهد بود..

اما نکته جالب اینکه توزیع جغرافیایی جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی نشان می دهد که بخش عمده ای از افزایش سهم کشورهای در حال توسعه از جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی مربوط به موفقیت منطقه جنوب شرقی آسیای شرقی است. گذشته است. ولی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال ۲۰۰۱ در تمام جهان به دلیل اتفاقات سیاسی به حدود نصف سال قبل آن کاهش یافت.

نکته دیگر پایین بودن سهم منطقه غرب و مرکز آسیا از جریان جهانی سرمایه گذاری مستقیم خارجی این نکته را هم باید یادآور شد که در میان کشورهای آسیایی، چین همچنان بزرگترین جذب کننده سرمایه گذاری مستقیم خارجی بوده است.

اما در مورد ایران باید گفت که سرمایه گذاران خارجی در کشور ما تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی می توانند فعالیت کنند. قانون جدید که پس از ۴۵ سال مورد تجدیدنظر قرار گرفت، هیچگونه وجه تمایزی میان سهامداران ایرانی و خارجی نمی شناسد و اگر این مقصوبه به درستی به اجرا درآید، موجب تحولی در امر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران خواهد شد.

البته این قانون محدوده‌بتهایی را هم به همراه دارد، از جمله ورود سرمایه‌های دولتی خارجی از مسیر این قانون امکان پذیر نبوده و فقط سرمایه‌های بخش خصوصی خارجی می‌توانند تحت پوشش این قانون قرار گیرند. البته به موجب این قانون، سرمایه گذار خارجی می‌تواند در کلیه زمینه‌هایی که فعالیت بخش خصوصی در آنها مجاز است سرمایه گذاری مستقیم نماید و در زمینه‌هایی که منحصراً در اختیار دولت است از روشهای بیع متقابل و مشارکت مدنی استفاده کند. ضمناً باید توجه داشت که زمینه فرهنگی برای سرمایه گذاری خارجی در ایران همیشه با نوعی سوءظن مواجه بوده است، مثلاً جریانهای اولیه سرمایه گذاری خارجی در ایران نظیر قراردادهای رویتر و دارسی جنبه استعماری داشته‌اند، لذا این قراردادها باعث شکل‌گیری یک فرهنگ ناخوشایند نسبت به سرمایه گذاری خارجی در کشور شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و ملی شدن بسیاری از واحدهای تولیدی، بیشتر سرمایه گذاران خارجی با واگذاری سهام خود به دولت ایران از کشور خارج شدند. هرچند با پایان جنگ و به دلیل کمبود منابع برای سرمایه گذاری و پایین بودن سطح تکنولوژی در کشور، اقداماتی برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته است که تازه‌ترین آن تصویب قانون جذب سرمایه‌های خارجی در چندماه پیش می‌باشد. دو حرکت مثبت.

صرف نظر از این قانون که از اهمیت بالایی برخوردار است، طی چندسال گذشته دو حرکت اساسی در مسیر جذب سرمایه‌های خارجی صورت گرفته است که یکی تک‌نرخ شدن ارز است که در شفاف شدن بازار و قیمت‌ها تأثیر داشته و دارای اهمیت زیادی است، و دیگری تعدیل قانون مالیاتهاست که نرخ مالیاتها را نسبت به کشورهای در حال توسعه به شدت معقول کرده است. علی‌رغم این اتفاقات که البته اخیراً حادث شده، آمار و ارقام انعکاد نشان می‌دهد که طی ده سال

اخیر به طور متوسط سالانه حدود ۳۵ میلیون دلار سرمایه گذاری خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی در کشور جذب شده است که این رقم با ارقام جهانی جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی قابل قیاس نیست، یعنی سهم ایران از جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی تقریباً صفر است. این امر به روشنی نشان از بسته بودن اقتصاد و جدا بودن آن از فرایند جهانی اقتصاد دارد. البته طی چندسال گذشته دولت برای جلب سرمایه گذاران خارجی اقدام به ایجاد مناطق آزاد کرده است که متأسفانه این مناطق هم در این زمینه موفقیت چندانی نداشته‌اند. در همین جا باید یادآوری شد که بیشترین حجم سرمایه خارجی که طی چندسال گذشته وارد کشور شده است مربوط به بخش نفت و پتروشیمی است که این سرمایه‌ها عموماً در قالب قراردادهای بیع متقابل وارد کشور شده‌اند. با توجه به اینکه در این گونه قراردادهای بیع بیشتر در صنعت نفت کشور است، طرف خارجی هیچگونه ریسکی را نمی‌پذیرد، می‌توان گفت که این قراردادهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی محسوب نمی‌شود. اصولاً سرمایه گذاران خارجی بیشتر علاقه مند به قراردادهای بیع متقابل که نوعی فاینانس است هستند. زیرا که تضمین‌های دوگانه و سه‌گانه از این بابت دریافت

می‌کنند و هیچگونه ریسکی را هم نمی‌پذیرند. از ویژگیهای مثبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی این است که طرف خارجی در ریسک شریک می‌شود. در زمینه تکنولوژی به همکاری می‌پردازد، و موجب ارتقای مدیریت می‌شود و بازار را نیز در اختیار می‌گذارد. در حالیکه در بیع متقابل، هیچیک از این امتیازات برای طرف سرمایه پذیر وجود ندارد.

بنابراین حیطه عملکرد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور ما بسیار محدود است. نکته آخر اینکه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور بدون تغییر نگرش در میان سیاستمداران و کارشناسان و ایجاد بستر مناسب برای ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی امکان پذیر نیست و قانون جدید نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. به همین دلیل تا زمانی که شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناسب فراهم نشود، شرکتهای خارجی علاقه چندانی به سرمایه گذاری مستقیم در ایران ندارند و فقط رغبت به قراردادهایی نظیر بیع متقابل را نشان می‌دهند تا ریسک آنان را تضمین‌های دولتی پوشش کامل بدهد.